

یکشنبه، اکتبر 4، 2026

موضوع — عدم واقعیت

متن طلایی: متی 6: 13

"و ما را در معرض وسوسه میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده؛
زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین."

پاسخگو خواندن: گلتیوں 5: 25، 26
گلتیوں 6: 3، 7-9، 16

²⁵ اگر به روح زنده هستیم، بیایید در روح نیز سلوک کنیم.

²⁶ بیایید در پی جلالِ پوچ نباشیم؛ یکدیگر را به خشم نیاوریم و به یکدیگر حسادت نوزیم.

³ زیرا اگر کسی گمان کند که کسی است، حال آنکه هیچ نیست، خود را فریب می دهد.

⁷ فریب نخورید؛ خدا را نمی توان مسخره کرد، زیرا هر چه انسان بکارد، همان را درو خواهد کرد.

⁸ زیرا هر که برای جسم خود بکارد، از جسم فساد درو خواهد کرد؛ اما هر که برای روح بکارد، از روح حیات جاودان درو خواهد کرد.

⁹ و از نیکوکاری خسته نشویم، زیرا در موسم آن درو خواهیم کرد، اگر خسته نشویم.

¹⁶ و هر که طبق این قانون رفتار کند، بر ایشان و رحمت باد، و بر اسرائیل خدا.

د درس خطبه

کتاب مقدس

1. پیدایش 18: 25 (شال)

²⁵ آیا داور تمام زمین عدالت نخواهد ورزید؟

2. دانیال 4: 1-3، 28-31، 33، 34، 36، 37

¹ نبوکدنصر پادشاه، به همه قوم‌ها، ملت‌ها و زبان‌ها، که در تمام زمین ساکنند. سلامتی شما افزون باد.

² فکر کردم که آیات و شگفتی‌هایی را که خدای متعال نسبت به من انجام داده است، بیان کنم.

³ چه عظیم است آیات او! و چه عظیم است شگفتی‌های او! پادشاهی او پادشاهی جاودانی است و سلطنت او نسل اندر نسل است.

²⁸ همه اینها به نبوکدنصر پادشاه رسید.

²⁹ در پایان دوازده ماه او در کاخ پادشاهی بابل قدم زد.

³⁰ پادشاه سخن گفت و گفت: آیا این بابل بزرگ نیست که من به قدرت خود برای خانه پادشاهی و برای عزت عظمت خود ساخته‌ام؟

³¹ در حالی که این کلمه در دهان پادشاه بود، صدایی از آسمان نازل شد که گفت: ای نبوکدنصر پادشاه، به تو گفته می‌شود. پادشاهی از تو رفت.

³³ در همان ساعت بر نبوکدنصر واقع شد: و او از مردم رانده شد و علف را مانند گاو خورد و بدنش از شب‌نم آسمان خیس شد تا اینکه موهایش مانند پره‌ای عقاب و ناخن‌هایش مانند پرندگان روییده شد. 'پنجه‌ها

³⁴ و در پایان ایام نبوکدنصر چشمان خود را به سوی آسمان بلند کردم و عقلم به سوی من بازگشت و اعلی را برکت دادم و او را ستایش کردم و او را که تا ابد زنده است، که سلطنتش سلطنتی جاودان است و او پادشاهی نسل به نسل است:

³⁶ در همان زمان عقل من به من بازگشت؛ و برای جلال پادشاهی من، عزت و روشنائی من به من بازگشت. و مشاوران و اربابانم مرا طلب کردند. و در پادشاهی خود مستقر شدم و عظمت عالی بر من افزوده شد.

³⁷ اینک من نبوکدنصر پادشاه آسمان را ستایش و تمجید و ستایش می‌کنم، که همه اعمالش راست است.

3. عوبدیا: 3، 4، 17 (به)، 21 (و)

³ ای تو که در شکاف‌های صخره ساکنی و جایگاهت بلند است، و در دل خود می‌گویی: چه کسی مرا به زیر، بر زمین خواهد افکند؟ — همانا تکبر دلت تو را فریب داده است.

⁴ اگرچه خود را همچون عقاب بالا بری و آشیانه‌ات را میان ستارگان بنا کنی، باز هم تو را از آنجا به زیر خواهم افکند؛ این است کلام خداوند.

¹⁷ اما بر کوه صهیون نجات خواهد بود و آنجا مکان مقدسی خواهد بود؛

²¹ ...و پادشاهی از آن خداوند خواهد بود.

4. لوقا 4: 14، 15

¹⁴ و عیسی با قدرت روح به جلیل بازگشت؛ و آوازه او در تمام آن نواحی پیچید.

¹⁵ و او در کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد و مورد تمجید همگان قرار می‌گرفت.

5. لوقا 18: 9-14

⁹ و این مَثَل را برای عده ای که به خود اطمینان داشتند که عادل هستند و دیگران را تحقیر می کردند گفت.

¹⁰ دو مرد برای دعا به معبد رفتند. یکی فریسی و دیگری باجگیر.

¹¹ فریسی ایستاده بود و با خود دعا می کرد، خدایا، تو را شکر می کنم که مانند دیگران نیستم، باج گیر، ظالم، زناکار، یا حتی مانند این باجگیر.

¹² من دو بار در هفته روزه می گیرم، دهک از آنچه دارم می دهم.

¹³ باجگیر که دور ایستاده بود، نمی خواست چشمان خود را به آسمان بلند کند، بلکه بر سینه خود می زد و می گفت: خدایا به من گناهکار رحم کن.

¹⁴ من به شما می گویم که این مرد عادل به خانه خود رفت تا دیگری. و هر که خود را فروتن کند، سربلند خواهد شد.

6. یعقوب 1: 12-18

¹² خوشا به حال کسی که در وسوسه پایداری ورزد؛ زیرا چون آزموده شود، تاج حیات را خواهد یافت، که خداوند به دوستداران خود وعده داده است.

¹³ هیچ کس چون وسوسه شود، نگوید: من از جانب خدا وسوسه شده ام، زیرا خدا نمی تواند با بدی وسوسه شود و هیچ کس را وسوسه نمی کند.

¹⁴ اما هر انسانی زمانی وسوسه می شود که از شهوت خود منحرف و فریفته شود.

¹⁵ پس چون شهوت آبتن شود، گناه می زاید و گناه، چون به انجام رسد، مرگ می زاید.

¹⁶ برادران عزیزم، گمراه نشوید.

¹⁷ هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالا است و از پدر نورها نازل می شود، که در او هیچ تغییر و سایه ی دگرگونی نیست.

¹⁸ او ما را به اراده‌ی خود با کلام حق آفرید تا ما نوعی نوبر مخلوقات او باشیم.

7. یعقوب 4: 6-8

⁶ اما او فیض افزون‌تری می‌بخشد؛ از این رو می‌گوید: خدا با متکبران مقابله می‌کند، اما به فروتنان فیض می‌دهد.

⁷ پس خود را تسلیم خدا سازید. در برابر ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد.

⁸ به خدا نزدیک شوید تا او به شما نزدیک شود. ای گناهکاران، دستان خود را پاک کنید و ای دودلان، دل‌هایتان را طاهر سازید.

8. زبور 50: 1، 6، 14، 15

¹ خدای قادر، یعنی خداوند، سخن گفته و زمین را از مشرق تا مغرب فراخوانده است.

⁶ و آسمان‌ها عدالت او را اعلام خواهند کرد، زیرا خود خدا داور است. سیلاه.

¹⁴ برای خدا قربانی شکرگزاری بگذاران و نذرهای خود را به آن متعال ادا کن؛

¹⁵ و در روز تنگی مرا بخوان؛ من تو را رهایی خواهم داد و تو مرا جلال خواهی داد.

علم و بهداشت

1. 17: 1-3، 8-11

اراده‌ی تو بر روی زمین، چنان‌که در آسمان است، جاری باد.
ما را قادر ساز تا دریابیم که خدا — هم در آسمان و هم بر روی زمین — قادر مطلق و متعال است.

و ما را به ورطهٔ وسوسه میافکن، بلکه ما را از شر رهایی بخش؛
و خدا ما را به ورطهٔ وسوسه نمی‌افکند، بلکه ما را از گناه، بیماری و مرگ می‌رهاند.

2. 516:19-23

انسان که به صورت و شبیه او آفریده شده است، حاکمیت خدا بر تمام زمین را در اختیار دارد و بازتاب می‌دهد. زن و مرد، به عنوان موجوداتی هم‌زیست با خدا و جاودان، همواره آن خدای پدر-مادر نامتناهی را با کیفیتی پر جلال بازتاب می‌دهند.

3. 445:19-26

کریستین ساینس ارادهٔ بشری را خاموش می‌سازد، ترس را با حقیقت و عشق آرام می‌کند و جریان بی‌تکلف و خودبه‌خودی نیروی الهی را در شفای بیماران آشکار می‌سازد. خودخواهی، حسادت، شهوت، غرور، نفرت و انتقام‌جویی توسط ذهن الهی — که شفادهندهٔ بیماری است — طرد می‌شوند. ارادهٔ بشری که دروغ می‌آفریند و به آن دامن می‌زند و "اصل الهی هماهنگی" را پنهان می‌سازد، برای سلامتی ویرانگر است و به جای آنکه درمان بیماری باشد، خود عامل آن است.

4. 272:3-8

پیش از آنکه بتوان حقیقت را درک کرد، باید به آن درک معنوی از حقیقت دست یافت. این درک تنها زمانی در وجود ما نهادینه می‌شود که صادق، بی‌خودخواه، بامحبت و فروتن باشیم. بذر حقیقت باید در خاک "دلی صادق و نیکو" کاشته شود؛ وگرنه ثمر چندانی نخواهد داد، چرا که خویِ خوک صفتانهِی نهفته در سرشت آدمی، آن را از ریشه برمی‌کند.

5. 242:1-20

انسان‌های فانی از طریق توبه، تعمید روحانی و تجدید حیات، باورهای مادی و هویت کاذب خویش را کنار می‌گذارند. تنها مسئلهٔ زمان مطرح است تا زمانی که "همه آن‌ها، از کوچک تا بزرگ، مرا [خدا را] بشناسند." انکار ادعاهای ماده، گامی بزرگ به سوی شادی‌های روح، آزادی انسان و پیروزی نهایی بر جسم است.

تنها یک راه به سوی ملکوت و هماهنگی وجود دارد و علم الهی این راه را به ما نشان می‌دهد. این راه عبارت است از نشناختن هیچ واقعیتی جز خیر، خدا و بازتاب او — و

نداشتن هیچ آگاهی دیگری از حیات جز این‌ها — و فراتر رفتن از آنچه درد و لذتِ حواس نامیده می‌شود.

خوددوستی، کدرتر و نفوذناپذیرتر از یک جسم صلب است. بیایید با اطاعتِ صبورانه از خدایی که صبور است، بکوشیم تا با حلالِ جهان‌شمول، آن توده‌ی سخت و تسلیم‌ناپذیرِ خطا — یعنی خودرأیی، توجیه خویشتن و خوددوستی — را که با معنویت می‌ستیزد و قانون گناه و مرگ است، در هم بشکنیم و محو سازیم.

6. 191: 24-25

علمِ هستی، انسان و جاودانگی را مبتنی بر «روح» آشکار می‌سازد.

7. 252: 15-17، 25-8

شواهد نادرست حس مادی به طرز چشمگیری با شهادت روح در تضاد است. حس مادی با تکبر واقعیت فریاد می‌زند و می‌گوید:

من در شکوه ماده بر تخت سلطنت نشسته‌ام. اما یک لمس، یک حادثه، قانون خدا، می‌تواند در هر لحظه آرامش مرا نابود کند، زیرا تمام شادی‌های خیالی من کشته شده‌اند. مانند گدازه‌های در حال انفجار، من گسترش می‌یابم، اما به ناامیدی خودم، و با درخشش آتش سوزان می‌درخشم.

روح، با شهادتی متضاد، می‌گوید:

من روح هستم. انسان، که حواسش معنوی است، شبیه من است. او درک بی‌نهایت را منعکس می‌کند، زیرا من بی‌نهایت هستم. زیبایی تقدس، کمال وجود، شکوه زوال‌ناپذیر، - همه از آن من است، زیرا من خدا هستم. من به انسان جاودانگی می‌دهم، زیرا من حقیقت هستم. من همه سعادت را در بر می‌گیرم و به دیگران می‌دهم، زیرا من عشق هستم. من زندگی می‌دهم، بدون آغاز و بدون پایان، زیرا من زندگی هستم. من متعال هستم و همه چیز را می‌دهم، زیرا من ذهن هستم. من جوهر همه چیز هستم، زیرا من آنم که هستم.

8. 339: 7 (از آنجا که) -19

این درس کتاب مقدس توسط کلیسای علوم مسیحی پلینفیلد، مستقل تهیه شده است. این متن از نقل‌های کتاب مقدس از کتاب مقدس جیمز جیمز و بخشهای مربوط به کتاب علوم مسیحی، علم و بهداشت با کتاب مقدس، توسط مری بیکر ادی تشکیل شده است.

از آنجا که خدا کل است، جایی برای آنچه ناهم‌مانند اوست وجود ندارد. تنها خدا — که روح است — همه چیز را آفرید و آن را نیکو خواند. بنابراین، شر که در تضاد با نیکی است، امری غیرواقعی است و نمی‌تواند مخلوق خدا باشد. گناهکار نمی‌تواند از این واقعیت که علم بر غیرواقعی بودن شر گواهی می‌دهد، دلگرمی یابد؛ زیرا او می‌کوشد تا گناه را به امری واقعی بدل سازد — یعنی آنچه را که غیرواقعی است، واقعی انگارد — و بدین‌سان "خشم را برای روز خشم" بر خویش انباشته سازد. او در توطئه‌ای علیه خویشتن مشارکت می‌ورزد؛ توطئه‌ای علیه بیداری خود نسبت به آن پوچی هولناکی که فریبش داده است. تنها کسانی که از گناه توبه کنند و از آنچه غیرواقعی است دست بشویند، می‌توانند ماهیت غیرواقعی شر را به تمامی درک کنند.

9. 542:13-5

اگرچه خطا در پس دروغ پنهان می‌شود و برای گناه بهانه‌تراشی می‌کند، اما نمی‌توان آن را تا ابد پوشیده نگه داشت. حقیقت، به واسطه‌ی قوانین ازلی خویش، پرده از چهره‌ی خطا برمی‌دارد. حقیقت باعث می‌شود گناه ماهیت خود را آشکار سازد و مهر را بر پیشانی خطا می‌زند. حتی همان گرایش به توجیه یا پنهان‌سازی گناه نیز کیفر در پی دارد. گریختن از عدالت و انکار حقیقت، به تداوم گناه و ارتکاب جرم دامن می‌زند، خویشتن‌داری را به مخاطره می‌افکند و رحمت الهی را به سخره می‌گیرد.

10. 186:20-11، 2-28

شر، امری عدمی است؛ زیرا فقدان حقیقت است. شر هیچ است، چرا که نبود چیزی است. شر غیرواقعی است، زیرا مستلزم نبود خداوند — آن وجود قادر مطلق و حاضر در همه‌جا — می‌باشد. هر انسان فانی باید دریابد که شر، نه قدرت دارد و نه واقعیت.

شر، مدعی وجود مستقل است و می‌گوید: "من موجودیتی واقعی هستم که بر خیر چیره می‌شوم." همین ادعای کاذب باید بطلان تمام داعیه‌های شر را آشکار سازد. تنها قدرت شر، نابود کردن خویشتن است؛ آن هرگز نمی‌تواند حتی ذره‌ای از خیر را نابود کند.

ذهن فانی نسبت به ماهیت خویش ناآگاه است، و گرنه هرگز دچار خودفریبی نمی‌شد. اگر ذهن فانی می‌دانست چگونه بهتر باشد، قطعاً بهتر می‌بود. از آنجا که این ذهن ناچار است به چیزی جز خود باور داشته باشد، ماده را به مقام الوهیت می‌نشاند. ذهن بشری از همان آغاز، بت‌پرست بوده و به خدایانی دیگر — غیر از آن "ذهن واحد" — باور داشته است.

11. 26-30

اگر به اندازه کافی بر خطاهای حس مادی پیروز شده باشیم که به روح اجازه دهیم کنترل را در دست بگیرد، از گناه بیزار خواهیم بود و آن را زیر هر نقابی سرزنش خواهیم کرد. تنها از این طریق می‌توانیم دشمنان خود را برکت دهیم، هرچند که ممکن است سخنان ما را اینگونه تفسیر نکنند. ما نمی‌توانیم برای خودمان انتخاب کنیم، بلکه باید نجات خود را به روشی که عیسی تعلیم داد، عملی کنیم. او در فروتنی و قدرت، انجیل را به فقرا موعظه می‌کرد. غرور و ترس برای تحمل معیار حقیقت نامناسب هستند و خداوند هرگز آن را در چنین دستانی قرار نخواهد داد.

12. 19-24:450

پیرو کریستین ساینس برای کاستن از شر، بیماری و مرگ کمر همت بسته است و با درک پوچی آن‌ها و همچنین کلیت خدا — یا همان خیر مطلق — بر آن‌ها غلبه خواهد کرد. برای او، بیماری نیز همچون گناه نوعی وسوسه و آزمون است و او با شناخت قدرت خدا بر این هر دو، آن‌ها را شفا می‌دهد.

وظایف روزانه

توسط مری بیکر ادی

نماز روزانه

وظیفه هر عضو این کلیسا است که هر روز نماز بخواند: "پادشاهی تو آمده است" بگذارید سلطنت صداقت، زندگی و عشق الهی در من تثبیت شود و همه گناهان من را از بین ببرد. و ممکن است کلام تو محبت‌های همه بشریت را غنی کند، و بر آنها حکومت کند!

کتابچه راهنمای کلیسا، ماده 8، بخش

4

قانونی برای انگیزه‌ها و اعمال

این درس کتاب مقدس توسط کلیسای علوم مسیحی پلینفیلد، مستقل تهیه شده است. این متن از نقل‌های کتاب مقدس از کتاب مقدس جیمز جیمز و بخش‌های مربوط به کتاب علوم مسیحی، علم و بهداشت با کتاب مقدس، توسط مری بیکر ادی تشکیل شده است.

نه خصومت و نه دلبستگی شخصی نباید انگیزه ها یا اعمال اعضای کلیسای مادر را تحریک کند. در علم ، عشق الهی به تنهایی بر بشر حکومت می کند. و یک دانشمند مسیحی امکانات شیرین عشق را ، در سرزنش گناه ، برادری واقعی ، خیرخواهی و گذشت ، منعکس می کند. اعضای این کلیسا باید روزانه تماشا کنند و دعا کنند تا از شر هر گونه شر ، از پیشگویی ، قضاوت ، محکومیت ، مشاوره ، تأثیرگذاری یا تأثیرگذاری اشتباه خلاص شوند.

کتابچه راهنمای کلیسا ، ماده 8 ، بخش

1

هشدار به وظیفه

این وظیفه هر عضو این کلیسا است که روزانه از خود در برابر پیشنهادات ذهنی تهاجمی دفاع کند و فراموش نشود و وظیفه خود را در قبال خدا ، رهبر خود و بشر فراموش نکند. با کارهای او قضاوت خواهد شد ، - و توجیه یا محکوم خواهد شد.

کتابچه راهنمای کلیسا ، ماده 8 ، بخش

6